گفتو گوبار ضامو لایی

اُ**وا پر تو ا**رضا مولایے ، بازیگر نقش مجید در

برای بازی در نقش مجیــد چطور انتخاب شدید؟

--ی--اوایل امسـال تئاتــری اجرا می کردیــم که در

آن خانے تیرانداز هم حضور دائستند خانم تیرانداز کے در آن زمان بهعنون بازی گردان

سریال «پردهنسین»انتخاب شدهبودند، مرابه آقای سریال «پردهنشین»انتخاب شدهبودند، مرابه آقای شعیبی معرفی کردندوسیس به دفتر شان دعوت شدم اما بعداز این ماجرا، خانم تیرانداز به دلایلی با

این پٰروژه همکاری نکردند و قضیه همکاری من با ىن پروژه هم نامشـخص مأند.اما چند ماه بعد که

آقای سرایی به جای خانم تیرانداز آمدند، مجددا بـرای این کار از مــن دعوت کردنــد، فیلمنامه را

تواندموبه توافق رسیدم. از ابتداهم قرار بوداین نقش را بازی کنید؟

بروژه اطلاع داشتم، آخرین نفری بودم که به گروه ضافه شدم؛ باهمان نقش مجید که از ابتدا دوست

داشتم آن رابازی کنم. شاکله این نقش از ابتـدا در فیلمنامه به

همین شکلی بود که در سریال دیدیم یا در اجراتغییرپیداکرد؟

عر - سیبیر پیت عرب توضیحی که به من در رابطه بــا نقش دادند به

هماُن شکلی بود که در سُریال دیدیم شاید در یک قسمتهایی فقط سیناپس را در اختیار داشتم،اما

دقیقامی دانستم که کاراکتر مجیداز چه نقطهای

سیده می شدود و به کجا می رسید؛ یک آدم به اصطلاح خاکستری که نه خیلی مثبت و نه منفی

بود. خودم این بینابینی را خیلی دوست داشتم. سختی این نقش هم در همین ویژگیاش خلاصه

می شد. احساس تردید و دولی که کاراکتر مجید داشت به مخاطب هم انتقال داده می شد و مخاطب تا آخر قصه نمی دانست که او آدم خوبی است یانه.

مارین ویژگی مجیدراخیلی دوستداشتم. مخصیت مجید را می توانیم تنها قربانی اصلی سریال بدانیم؟

در این که مجید قربانی می شود، شکی نیست. ما اگر نگاهی به دنیای اطرافمان در جامعه بیندازیم،

متوجه میشویم که بسیاری از آدمهایی که محق یکسری از اتفاق هانیستند، بلاهایی سرشان می آید

و دربازی ماجراهایی می شوند که حق شُان نیست و به راحتی گرفتار بلندپروازی ها و زیاده خواهی های

خزاعی ها و مرادی ها می شوند. با این که در پایان برای این شخصیت، اتفاق عجیب و غریبی افتاد و حتی برای خودم نیز غافلگیر کننده بود، امامن این

پایان را دوست داشتم. چون زمانی که سیناپس رامی خواندم برایم سـوال برانگیــز بود که مجید

چه کاری انجام می دهد که چنین اتفاقی برایش میافتد. من به خاطر این شائبه و سوال هایی که در ذهن خودم و مخاطب به وجود می آمد شخصیت او

یعنی از ابتدا میدانستید که قرار است

این اتفاق برای نقش تان بیفتد؟ نه،از ابتدااتفاقاتی که قرار بود تا قسمت ۲۷ و ۲۸

برای او بیفتد را می دانستم اما به تدریج که کار به

نرواقع با این که از مدتها قبل، از سـ



دست و بال بازیگر را باز می گذارد، بازیگر می تواند ابراز وجـود کنـد و فکری کـه در مغزش هست را بـرای او پیاده کنـد و او هــم بپذیرد. به نظــرم آقای . روی روی شعیبی در آینده می توانند به یکی از کار گردانان بزرگ مملکتمان تبدیل شوند. هر چند تا الان هم

بررت ممتحت بندی سوند، هر چند تا ادی هم توانستند آثار بزرگ و موفقی را بسازی محتوای این سریال بیرای مخاطب ایرانی، از آن جهت که فرهنگ و سبک زندگی اصیل خودش را به نمایش می گذاشت جذاب و حایز اهمیت به نظر می رسید. مسأله ای که متاسفانه در سال های اخیر کمتر در سریال هایمان شاهد پرداختن به آن هستیم و کارگردان ها توجه آنچنانی نسبت به آن ندارند! شما بهعنوان بازیگری که بازی در سریالهای متفاوتی

سالگذشته با پخش سریال «پروانه»، پدیدهای

در عرصـه بازیگری معرفی شــد. ســـارا بهرامی، بازیگری بود که با بازی در این ســـریال، به چهره شناخته شدهای در تلویزیون تبدیل شد. با این که

او بعد از این سریال به خاطر حساسیت و وسواسی که داشت، تنها در تئاتر حضور پیدا کرد اما با بازی

در نقش مانده سریال «پردهنشین» توانست وجه دیگری از بازیگری خود را نمایش دهد. با بهرامی که به تازگی در فیلم «من دیه گو مارادونا هستم»

، در کی ریاد در بازی به در بازی به به به در بازه به در بازه در بازه در به به در بازه در بازه به در بازه به در بازه در «پردهنشین» گپی زده ایم.

عصورس در بپرتونستین، نبی رتونیم. آخریـن حضــور شــما در تلویزیــون بــه ســر یال «پروانه» بر می گردد. چقــدر با علم به این کــه کار بعدی تان هم ســریال موفقی

یہ این شخه دار بعدی نامج مسرسول موظعی باشد، در خرودہشین ۶- خطور بیدا کر دید؟ قطعا دربارہ این مسأله نمی تبوان پیشبینی خاصی دائستہ چیون تنها چیبزی کہ در شکل گیری این رونو دچود دارد این است که بازیگر به اسم و سابقہ یک کار گردان اعتماد می کند دور کارش بازی می کنند می قبال از بازی

در این سے پال به غیر از بازی در پک تله فیلم، درین مسریان به طیر از بازی داریت مه میم. مدتها فعالیت تصویری نداشتم و ترجیحا در این مدت تئاتر کار کردم و منتظر پیشنهاد یک کار

را بازی کردید که علاوه بسر مذهبی بودنش، کامسلاروشسن بینانه بسا مشسکلات بر خورد می کند. خودتان چقدر سعی کردید که این

می ندند. خوددان چغادر سعی کردید نه این نقش دچار شعار زدگی نشود. به نظرم وقتی یک نقشــی را زندگی کنی، شعار در ده هم نمی شود هر نقشــی یکسری ویژگی هایی دارد و من هم به جای این که کار عجیب و غریبی انجام دهم تا به نقش نزدیک شوم، سعی می کنم انجام دهم تا به نقش نزدیک شوم، سعی می کنم

ویژگیهای هر نقش را به سارا بهرامی اضافه کنم. وسعت و اهمیت بازی در این نقش برایتان

چقدر مهم بود؟ فكر مىكنيد چقدر اين سريال به حضور شخصيتهاى زن دامن

رضانست: قطعا اگر قرار ببود در این کار نقش منفعل و معمولی بــازی کنیم آن را انتخــاب نمی کردم. به خودت هم گفتم، یکی از علتهایی که باعث شد در این سریال بازی کنیم، جذابیتهای نقش مالده

بود. چون کنش داشـت و اتفاق بهوجود می آور د

و به بازیگر اجازه میداد که بــه آن فکر و روی آن

أُدمها بي مثل مائده را إن ناديك ديده بوديد؟ دغدغه تان از بازی در این نقش چه بود؟

بُن»ٰ نقش زن متدین و مومنی

ُنصویری خُوبُ بودُم. در «پر دەنشین»

زده است؟

را تجربــه کردهایــد چقــدر جای خالــی چنی سریالهایی رااحساس می کنید؟ اولین چیزی که باید همه ارکانش درست باشد، یک متن و قصه خوب است. در تلویزیون ما قصه کم

۔ هســت. ســر يال ها قصه آنچناني ندار ند که من نوعي

را ترغیب کند تا پای آن بنشینم و فردا شب هم تماشایش کنم و ببینم که چه اتفاقی برای قهرمان

داستانم كه على السويه است، مي افتد مسلما وقتي

قسه، خوب نباشد و چفت و بست شلی داشته باشد، با داستان و کاراکترها همذات پنداری نمی کنم. چون

. همذات پنداری با یک سریال، زمانی اتفاق میافتد که با متن و قصه خوبی همراه باشد و از نظر روانشناختی

روی کاراکترهای آن کار شــده باُشُد که خُوشـختانه

متن «پردهنشین» این ویژگیها را داشت. اما به نظرم

باز خور دهای مردم نسـبت به سریال چگونه بوده است؟ ر ۱۳۰۰ ست. اکثر مـردم نظرات مثبتی نسـبت به این سـریال اشـتند و من اصلا بازخورد بد و حتـی انتقادی هم نسبت به این کار و نقشم نداشتم

تلویزیون برای بالا بردن سطح کیفی آثارش باید کمی روی نویسـندهها و متنهایش کار کنــد و در این راه سرمایه گذاری کند.

تُ إِينَ سريال و همچن پذیری نقشُ های آن را در چه چیزی می دانید؟ ، "تخاب بازیگر در یک کار خیلی مهم است. بعد از متن و فیلمنامه، یکی از مهم ترین بخشهایی که مے تواند یک کار را بہ اوج برساند یا با کلہ آن را بہ رمین بکوباند، انتخاب بازیگر و چیدمان آنها در کنار

مهر است در بین به پایدار املی طبی طریبی به اوایی کار با این پــروژه همکاری داشــتند و تقریبا با آقای شعیبی انتخاب بازیگران را انجام می دادند هم تشکر کنــم، بازیگران این ســریال، خیلی خــوب در کنار کنے، بازیگران این سریال، خیلی خوب در کنار همدیگر چیده شده بودند و بدونشک هدایت آقای شعیبی در این کار حرف اول را میزد که سعی کرده بود بازیگرهای وسواسی را دور هم جمع کند. فکر می کنم یکی از علتهای موفقیت ســریال، اهمیت بی کار و نتیجه آن برای بازیگرانش بود. این مسائل در کارهای قبلی تان هم برایتان

هم است. در این جا باید از آقای علی سرایی که اوایل

مهم بود؟ حتى در سريالهاى طنــزى كه در آنهابازى كرديد؟

صددرصد، من اگر کاری را دوست نداشته باشم، انجام نمی دهم. این قضیه برای نقش هایم هم صحت پیدا می کند. مگر می شود آدم نقش اش را دوست ب می در این می در این کرد را دوست نداشته باشد و آن را بازی کند یا نقش اش را دوست داشته باشد و آن را بد بازی کند؟ اصلا امکان ندارد. چنین چیزی غیرممکن اُست!

پسین پیری میرسد. شـما این روزها در سـینما با فیلم «بیگانه» بهـرام توکلی حضور داریـدو در این کار هم با بهرم و عنی عصور دارید و در بین در هم به کارگردان جوان و صاحب سبکی همکاری کردید. نگاه و شیوه کارگردانی بهرام توکلی در این فیلم به چه شکل بود؟

ر بی میساری به سمان بود. آقای توکلی امتحانش را پس داده است؛ تعدادی فیلم قبل از «بیگانه» ساخته که فیلمهای خوبی هم تیم و بیان را براز نزدیک ست به خیبههای خوبی هم هستند، من او را از نزدیک نمی شناختم اما وقتی با هم صحبت کردیم، آرامشی به من داد که احساس کردم کار گردانی است کسه می توانم بسا او کار کنم و آدمی نیست که سر صحنه عصبانی ام کند یا مشکلی برایمان پیش بیاید، أقای توکلی هم مثل خودم آدم وسواسی است و برایش مهم است که کارش خوب از آب دربیایید. او از تصام کاراکترها شیناخت کافی ر رب بارپیدست و رسمه می خود ما ست تاخی دارد و هیچ کدام از ســوالهای بازیگرانش را بی جوال نمی گذارد مضاف بر این کسه ما چیزی حول و حوش ۱۰ ، ۱۵ روز در این فیلم تمرین داشستیم و این مسأله باعث می شد تا کمی و کاستی های کار مشخص و متن کامل تر شود. حتی یکسری از چیزهایی که برایمان قابل فهم نبودند در این تمرین ها قابل فهم شدند. بعد از سریال «پردهنشین»، در حال بازی در چه کاری هستید؟

ری به تازگی با آقای فتحی برای سریال «شهرزاد» به توافق رسیدم و قرار است نقشی را در کار جدیدشان بازی کنم این سریال برای شبکه نمایش خانگی

بویینه عی صور» با این که شـما نقش هـای جـدی و متفاوتی در ســینما و تلویزیون بازی کردهاید اما اغلب مردم شـما را بهعنوان بازیگر سریال های طنز می شناسند. نگران کلیشه شــدن در این نوع كارها نيستيد؟

ر. نه، چون تعداد کارهای جــدیام از کارهای طنزم تیلی بیشــتر و حتی ۲ برابر اســت. به همین خاطر فرقی نمی کند که در چه ژانری بازی می کنیم. من اگر کارگردان و متن و نقشیم را دوست داشته باشم، در اَن کار بازی می کُنه؛ حالا میخواهد اَن کار کمدی و طنز باشد یا جدی، تراژدی و جنگی.

مجيدقربانياصلىداستانبود نمىشدمجيدبيشتريكرفيق دلسوزبود

مدل دلســوزی را بلد نبود که چطور ابراز کند. اگر باهوش بود و می توانســت فکر کند مطمئنا زود تر سریال «پردهنشین»، یکی از بازیگران تئاتریای است که سابقه درخشانی به واسطه حضور در این باهوش بود و می توانست فکر کند مطمئنا زود تر از این که اتفاقی برایش بیفتد، جلــوی ماجراها را عرصه به دست آوُرده است. او به واسطه حضورش ی گرفت فکر می کنید آقای شعیبی از این جهت که دراين عرصه باكار گردانان مطرحي همچون ح سمندریان، داوود میرباقری و بهمت فرمان آرا همکاری کرده است. با او در رابطه با نقش اش در سریال «پرده نشین» گفت و گویی کردیم.

شـماً بازیگر تئاتر بودید، این نقش را به شما پیشنهاد دادند؟

۔ اگب در انتخاب باقسی نقش ہا ہے دقت کر دہ باشید آقای شعیبی وسواس خاصی نشان دادهاند. درواقع با توضیحاتی که از نقشــم ارایه داده بودند، سُختیهای نقش را هم میدانستم ایشان به خاطر لطف واعتمادی که نسبت به ما داشتند، می خُواستنُد از بچههای تئاتر و با تجربه استفاده کنند چون نقش هاسخت بود وباید کاملاشبیه به

زندگی در می آمد. در طــول کار بازیگران هــم حق اظهار نظر دربارهنقششانداشتند؟

خیلی خوب است. ماحق پیشنهاد داشتیم ولی نه به این شکل که همه چیز در کار تغییر پیدا کند. قبل از شروع سکانسها، با آقای شعیبی و سرابی ر کی تمرین می کردیم واگر کسے پیشنهادو نکتهای داشت به آقای شعیبی می گفت. آقای شعیبی هم اگر از پیشنهادی خوشش میآمد از آن استفاده می کرد. فکر می کنم یکی از دلایلی که باعث شد همه بازیها یکدست در بیاید، این بود که همه تلاش می کردند تا به نقطه مــورد نظر کارگردان

کار گردان چقدر برای باور پذیری فضای کار بهبازیگرهاکمکمیکرد؟ خیلیمهماست کارگردانی که از مانیتور بازیها

رانگاه می کند، خودش بازیگر باشد و بازی هارا بشناسد ما همیشه فکر می کنیم کارگردان باید یک چیز خاصی را به بازیگر بگوید، اما در این پروژه، کارگردان به دلیل شناختی که از بازیگری داشت ر همه قُلقهـای بازیگری رامی دانس ــت.حركات و چیزهای اضافی بازیگر رامی گرفت و آنها راروتوش^ک ، هرس می کرد. به نظرم آقای شعیبی کار گردان <u>و</u> بازیگر باهوشی است که نگاه و سبک خودش را دار د و بازیگر در همان جلســه اول و دوم کاملامی تواند فودشرابه کار گردان بسپار دوبه اواطمینان کند. ب نظرتان تلویزیـون بـرای این کـه ــریالهای موفق تری بسازد تامردم کمتر مت برنامه هــای ماهــواره بروند چه

کاری کے باندانجےام شےدکار خیلی خاص عجیب و غریبی نیست. کاری که در این سریال انجام شد دلســوزی و نگاه درســت گروه آن بود. . یعنی آقای شعیبی و رضوی می دانستند که به چ چیزی قرار است بر سندو برای رسیدن به آن تلاش پیری حرر معتبر ستنوبر وی رسیس به آن ماه می کردند. این سسریال به این شکل نبود که ۴،۳ ماهه تمام شود تمرین، کار و تلاش وجود داشت و همه از این کار راضی بودند زمانی که برای کاری ئارمىافتد.

ماهمزمان با پخش این سریال نمایش «مردی برای تمام فصول» را هم اجرا می کُردِید. کُمی از تجرب همکاری بابهمن فرمان آرا و نحوه حضور تــان در این نمایش



ر سیاس می کردم که آنها مثل خانوادهام هستند. وقتی قرار است بالای ۱۲ ساعت هر روز این آدمها وضی فرار است بادی ۱۱ ساعت هر روز برای نامها را ببینی، ناخوداگاه بخشی از زندگی روتیزات آنها می شوند و شکل نگاه کردن به آنها شبیه به طرز نگاه آدم به خانوادهات می شبود، به همین جهت معتقدم آدمهایی که در کار حضور داشتند، آدمهای فوق العادهای بودند و افتخار می کنم که

موفقیت و ارتباط برقرار کردن مردم با این سریال را در چه مسألهای میدانید؟

سها در بحس حاصی دانست. اما تطعع بهرور شعیبی بهعنوان لیدر این گروه و تصمیم گیرنده آن نقش بسـزایی در موفقیت آن دانسـته است. لیــدر این گــروه بهروز شـعیبی اسـت و قطعا او

ســر یالُ هایی کــه بتوانند به شــکل کاملا متعارفی سبک زندگی ایرانی را نشان دهند در تلویزیون و خصوصا در سال های اخیر کم ساخته شدند. وجود چنین سریالهایی را در تلویزیون چقدر لازم میدانید؟ قطعـا تلویزیـون اگـر قرار باشــد کــه چنین

سریالهای خُوبی بُسازد، مُخُاطبانش هم بیشتر میشود. این مساله را می توان در ارتباط برقرار سیسود. یک شست در حق بودن در اربیند برخورد کرد و نتیجهاش کاملا روشن است. باید کارهای با کیفیت ســاخته شود تا مردم بنشــینند و نگاه با بلیفیت ستاخته سود با مودم بستیسند و نامه کنند وگرنه بحت قرینگی با تلویزیون خودمان یا دیدن سریال هایی که مال خودماکنفیست خستیم درست نیست. بیششتر ما دنبال کیفیت هستیم و من فکسر می کنم که مخاطب امسروز این هوش را دارد که بفهمد کار خـوب و باکیفیت چه اثری

چه شکل بود؟ مهم تریس مسألهای که در همان هفتههای اول حضورم در این سریال حس کـردم، اتحاد و صمیمیت عواصل ایس کا با همدیگر بود و

ر کنارشان حضور داشتم. به عنــوان بازیگر «پــرده نشــین»، علــ

سریال را در چه مسالهای می دانید: زمانی که یک کار خـوب و موفق است نشان دهنده این است که همه عوامل آن به درسـتی سـر جای خودشـان قرار گرفتهاند. به همین خاطر علت موفقیت یک کار را نمی توان تنهـا در بخش خاصی دانسـت اما قطعـا بهروز

مدیوم چقدر برای شما مهم است. برایتان مهم است که در تئاتر بازی کنید یا سینما و

ر-ر-ری اصلا برایم مهم نیست و اما خیلی به مدیوم - در ۱۰۰۰ ۱۳۰۰ : نوجهی نمی کنم. مهم ترین مسأله برایم این است که کار خوب و با کیفیتی انجام دهم.



جذابيتهاي نقش مائده رادوست داشتم



کم نیستند آدمهایی که مثل مائده زندگی می کنند و متاسفانه پدر و مادر ندارند، اما همچنان محکم و درست زندگی می کنند. این ، که متعلق به خود مانده بـود. وقتی هم که فیلمنامــه را خواندم از نقش آن خوشــم آمد ولی چـه از بــازی در این نقش و چــه نقشهای دیگــر دغدغه خاصی ندارم. اصولا یک نقشــی را می خوانم و اگر بفهمم جـُـای کار دارد و می توان با آن نقش کلنجـار رفت، انتخابش می کنم. برای من جایگاه نقش در فیلمنامه و چالش هایی که در گیر آن می شود بیشتر از همه چیز جذابیت دارد و قطعا آدمهایی که قرار است با آنها کار کنم سرار و تعدا مجمیعی صوری هم کسه تاکید برایم مهم هسستند، نقش هایی هم کسه تاکنون بازی کردهام، هیچ کدام شسیم خودم نبودند؛ نه مانده و نه پروانه، پروانه متعلق به نسلی متفاوت تر از خودم بود و مانده هسم از لحاظ تربیتی کاملا با

مائده بهخاطـر جدایی پدر و مـادرش مانده به حاصر جدایی پدر و ســـرس. بر ســنین کودکی بدون حضور مــادرش بزرگ شده اسـت. او در طول سالهای خلاً حضور مادرش، چگونه توانســته با ایــن قضیه کنار بیاید و همانند آدمهای دیگر زندگی کند؟

نقش از ابتدا یکسری چارچوبها و شاخصههایی

حضور مادرش در زندگی مهم است، حضور یک خانواده باثبات است که همیشه پشت او بودهاند؛ از خاله و مادر بزرگش گرفته تا پدرش. حتی وقتی هم که از دواج می کند، شهوهرش و خانهاده او، سم دروی ی تکیه گاهاش می شوند. نعروه بازی گرفتان آقای شعیبی از

نصوه بیازی گرفتن اقسای شمیبی از برای کار به چه شکلی بود؟ برای من خیلی مهم است که یک کار گردان نگاه خودش رادر کارش به همراه بیاورد و بهروز شمیبی از جنیس بورگی]ی برخوردار است و نگاه خودش را دارد او بسیار سمی می کند رینم پلان ها و بازی های بازیگرانش، شسیاهنی به برزیتم زندگی باشد. حتی به بازیگرانش ایسا جازه را میدهد تا در مورد نقششــان دخالت

به هر حال مائده هم یکسری کمبودهایی دارد. در جایسی از سریال هم دیالو گی دارد که می گوید، «من اگر مادر داشتم ایس اتفاقها در

زندگی برایم نمی افتاد». اما چیزی که بیشتر از

در این سریال به غیر از حامد کمیلی که قبلا هــم در ســريال «پروانه» بــا او همبازی بودید، با بقیه بازیگران تــا به حال همکاری نکرده بودید، ارتباط تان با آنها در این کار به

حلوبيش فتاب قضيه افهميد فودتان چقدر آدمهایی مثل مجیدرا در جامعه دیده بودید؟

و اُگر کسی بخواهد دنبال سر کرده و عاملان این اتفاق هابگردد کلی آدم هم به غیر از خودش در این ماجراقربانی می شوند. برای همین، آدمهایی مثل مجیددر جامعه تعدادشان زیاداست.

بهنظر تانايناتفاق بيشتربراي طبقه پايين . وضعیف تر جامعه می افتد؟ نه. هر کسی و در هر قشری اگر با آگاهی سراغ

انجــام کاری برود مســلمادچار چنین مســائلی نمی شود.اگر مجیدصاحب نگاه بود و آگاهی داشت چنین اتفاقی در انتها برایسش نمی افتاد و قربانی

نظــرم امسال ســال خوبی برای ه توانستم باكار كردانها و پروژههاي خوب و بُوفقی همکاری کنم. من ۳ تئاتر و یک سریال ئار کسردم که در هر یک از آنها هم با گروههای فوق العادهای همکاری کردم. یکی از این پروژهها، نمایش «مردی برای تمام فصول» بود که در آن به واسطه تجربه كوتاهي كه با أقاى فرمان آرا در . ر. ر. کی . . و را ر ر فیلم «دلم میخواد» (که هنوز مشخص نیست در جشنواره امسـال نمایش داده میشود یا نه) سر جستوران مست نا معیان و الله داشته می خود راین داشتم حضور پیدا کرده، آقای فرمان را در این کار دقیقا می دانستند که چه می خواهند و کاملا به کارشان مسلط بودند نمایشی که حاصل آن یک کار خوبی شد که خیلی ها هم دوستش یک کار خوبی شد که خیلی ها هم دوستش